

# بررسی مقایسه‌ای رشد اخلاقی نوجوانان سیزده و شانزده ساله آزاردیده و آزارنده شهرکرد در سال ۸۱-۸۲

دکتر علیرضا کلدی\*

حمیرا رئیسی\*\*

تاریخ دریافت: ..... ۸۳/۱۱/۷

تاریخ پذیرش: ..... ۸۳/۴/۳۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رشد اخلاقی نوجوانان آزارنده و آزارنده در ابتدا و میانه نوجوانی اجرا گردید. نمونه این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین دانش‌آموزان مدارس دخترانه و پسرانه شهرکرد در دو مقطع دوم راهنمایی و دوم دبیرستان به دست آمد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه آزاردیدگی و آزمون تبیین مسائل برای بررسی رشد اخلاقی بود. بر

اساس نمرات، آزمودنی‌ها در پرسشنامه‌ی آزاردیدگی هشت گروه پانزده نفری شامل نوجوانان دختر سیزده‌ساله‌ی آزاردیده، نوجوانان دختر سیزده‌ساله‌ی آزارندیده، نوجوانان پسر شانزده‌ساله‌ی آزاردیده، نوجوانان پسر شانزده‌ساله‌ی آزارندیده انتخاب گردیدند و بر روی آزمودنی‌ها آزمون تبیین مسائل (رشد اخلاقی) اجرا گردید. داده‌های پژوهش با آزمون آماری T مستقل و آزمون کای اسکوئر مورد بررسی کمی قرار گرفت. نتایج حاصل از مقایسه‌ی رشد اخلاقی نوجوانان آزاردیده و آزارندیده نشان داد نوجوانان سیزده‌ساله‌ی آزاردیده و آزارندیده از لحاظ رشد اخلاقی تفاوت معناداری نداشتند و هر دو در مرحله‌ی سوم از مراحل رشد اخلاقی کالبرگ قرار داشتند. اما نوجوانان شانزده‌ساله‌ی آزاردیده و آزارندیده از لحاظ سطح رشد اخلاقی، تفاوت معناداری را نشان دادند. نوجوانان آزارندیده در مرحله‌ی چهارم و نوجوانان آزاردیده در مرحله‌ی سوم رشد اخلاقی کالبرگ قرار داشتند. همچنین در نوجوانان سیزده و شانزده‌ساله‌ی آزاردیده تفاوت معناداری از لحاظ رشد اخلاقی مشاهده نشد و هر دو در مرحله‌ی سوم از مراحل رشد اخلاقی کالبرگ قرار داشتند. ولی نوجوانان شانزده‌ساله‌ی آزاردیده و آزارندیده از لحاظ سطح رشد اخلاقی تفاوت معناداری داشتند، به طوری که نوجوانان سیزده‌ساله‌ی در مرحله‌ی سوم و نوجوانان شانزده‌ساله‌ی در مرحله‌ی چهارم رشد اخلاقی کالبرگ قرار داشتند. در بررسی مشخصات والدین نوجوانان آزاردیده و آزارندیده نیز مشخص گردید که نوجوانان آزاردیده در متغیرهای سن پدر، تحصیلات پدر، شغل پدر، وضعیت مالی خانواده و معدل درسی، با نوجوانان آزارندیده تفاوت داشتند. در بررسی پرسش‌های پژوهش نیز مشخص گردید که نوجوانان دختر و پسر از لحاظ میزان آزاردیدگی تفاوت چندانی با یکدیگر نداشتند، هر چند پسران در مقیاس آزار فیزیکی نمرات بالاتری کسب کردند. همچنین میزان آزاردیدگی نوجوانان در میانه‌ی نوجوانی (شانزده سال) بیش‌تر از نوجوانان در ابتدای نوجوانی (سیزده سال) گزارش شده است.

**واژه‌های کلیدی:** رشد اخلاقی، آزاردیدگی، نوجوان

## مقدمه

یکی از مسائل مهمی که امروزه متخصصان علوم رفتاری با آن روبه‌رو هستند مسئله آزار کودکان و نوجوانان توسط والدین یا مراقبان آنها است. کودک‌آزاری از جمله آسیب‌های اجتماعی است که به دلیل گستردگی عوامل مؤثر و تأثیرات عمیقی که این عوامل بر رشد و شخصیت کودک، خانواده وی و اجتماع دارند، می‌تواند به عنوان یکی از اولویت‌های مسائل اجتماعی بهداشتی و درمانی در کشورهای مختلف جهان مورد توجه قرار گیرد.

کودک‌آزاری طیف وسیعی از ضربه زدن و صدمه رساندن جسمی به کودک تا نادیده گرفتن یا تلف کردن توانایی‌های بالقوه کودک با کوتاهی در فراهم ساختن لوازم و شرایط ضروری برای رشد مطلوب وی را شامل می‌شود. کودک‌آزاری همچنین ارتکاب اعمال عمدی یا حذف بخشی از مراقبت را که باعث وارد آمدن صدمه فیزیکی یا آسیب هیجانی به کودک می‌شود نیز دربرمی‌گیرد.

مطالعات نشان می‌دهند که توجه جدی به بدررفتاری با کودک از اواسط سده نوزدهم شروع شد، هر چند که تحقیق اجتماعی درباره کودک‌آزاری تا سال ۱۹۶۰ مورد غفلت واقع گردید. آمبروز تاردیو (Ambroise Tardieu) اولین کسی بود که به مسئله آزار دیدگی توجه کرد. او سه کودک آزار دیده را توصیف کرده که شلاق خورده و سوزانده شده بودند. کافی (Coffey) در سال ۱۹۴۶ اولین کسی بود که درباره ضربات عمدی وارده به کودکان یک گزارش پزشکی ارائه داد و از این تاریخ به بعد، پژوهش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفت (محمدخانی، ۱۳۷۸). طبق گزارش کمیته ملی پیشگیری از سوءرفتار با کودک در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۴ حدود سه میلیون سوءرفتار و بی‌توجهی در مورد کودکان به آژانس‌های خدمات اجتماعی گزارش شده است. طبق گزارش‌های پلیس انگلستان، موارد کودک‌آزاری در این کشور در سال ۱۹۹۷ به بیش از بیست برابر افزایش یافته است. در سال ۱۹۹۷ حدود ۳۵ هزار کودک در انگلستان تحت پوشش انجمن حمایت از کودکان قرار داشتند، به طوری که حدود چهار درصد

کودکان زیر دوازده سال در معرض خطر آزار و اذیت بودند. شیوع کودک‌آزاری جسمی یک در هزار کودک زیر چهار سال در کشور انگلستان گزارش شده است. در سایر کشورهای اروپایی پیشرفته آمار بالاتر بوده است، به نحوی که آمار مرکز پلیس کانادا نیز بیانگر ۲۲ هزار مورد کودک‌آزاری جسمی و روحی ثبت شده در سال ۱۹۹۶ است که هجده درصد از کل تهاجمات فیزیکی علیه کودکان زیر هجده سال است (آقایی‌گلویی، ۱۳۸۰). طبق گزارش سازمان بهداشت در سال ۱۹۹۹، حدود چهل میلیون کودک ۴-۱ ساله در سراسر جهان در معرض آزار و غفلت والدین یا مراقبان خود بوده‌اند به نحوی که نیاز به استفاده از خدمات بهداشتی، درمانی و اجتماعی پیدا کرده‌اند. در ایران نیز مطالعات محدودی در مورد کودکان آزار دیده و افراد آزاررسان صورت گرفته است. بر اساس مطالعه‌ای که در دبیرستان‌های شهر تهران انجام شد، مشخص گردید که ۳۲ درصد از دانش‌آموزان، دست کم یکی از موارد بی‌توجهی را تجربه کرده‌اند و از تعداد ۲۲۴۰ دانش‌آموز، ۱۶۰۰ مورد آزار گزارش شده است (نوروزی، ۱۳۷۲). رحیمی موفر (۱۳۷۵) شیوع بدرفتاری را در دو منطقه ۳ و ۲۰ شهر تهران بررسی کرد. در منطقه ۲۰ تهران شیوع بدرفتاری بین ۳۷ تا ۴۶ درصد و در منطقه ۳ تهران ۱۷ تا ۲۴ درصد گزارش شده است. همچنین بعضی مطالعات، شیوع کودک‌آزاری جسمانی و شیوع بیش‌تر آن در پسران نسبت به دختران را در ایران گزارش داده‌اند.

هر روز هزاران نوزاد، کودک و نوجوانان مورد ضربه، سوزاندن، خفه شدن و انواع بدرفتاری قرار می‌گیرند. کودکان و نوجوانان دیگری که هدف این شکل از آزار فیزیکی نبوده‌اند، قربانیان آزار روان‌شناختی مانند طرد، توهین یا ارباب‌والدیتشان هستند، و عده‌ای مورد بی‌توجهی و محرومیت از مراقبت که برای رشد طبیعی مورد نیاز است، قرار می‌گیرند. تحقیقات بسیاری درباره مسائل روانی - اجتماعی مرتبط با بدرفتاری با کودکان انجام گرفته و تعداد کم‌تری از مطالعات، بدرفتاری را در خصوص نوجوانان مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس دیدگاه رشدی، انتظار می‌رود که بدرفتاری با نوجوانان در مقابل کودکان به طور متفاوتی بیان گردد و

آزار، پی آمده‌های مخرب تری بر کودکان بزرگ‌تر نسبت به کودکان کم‌سن‌تر داشته باشد. بسیاری از بزهکاری‌های نوجوانان ریشه در مراحل اولیه رشد و تربیت خانوادگی آنان دارد. گستاخی مفرط و خودخواهی و عصیان و قانون‌شکنی دوران جوانی و بزرگسالی به تنفر و کینه‌ای که در دوران خردسالی و نوجوانی کسب کرده است، بستگی دارد. اغلب نوجوانان بزهکار از کمبودهای عاطفی در دوران کودکی رنج می‌برند. کودک درس‌های اخلاقی از قبیل محبت، رحیم، شفقت، شجاعت، نیکوکاری، وفاداری، خلوص نیت و پاکی، از خودگذشتگی و فداکاری را در دوران کودکی و در دامان پرمهر و محبت پدر و مادر کسب می‌کند و می‌آموزد، لذا والدینی که چنین شرایطی را برای فرزندان خود فراهم نمی‌کنند و خود نیز الگوهای غلطی هستند، نه تنها موجب رشد اخلاقی کودک خود نمی‌شوند، بلکه آن‌ها را با رفتارهای غیراخلاقی خود روبه‌رو می‌سازند. چنان‌که مطالعات نشان می‌دهد، افرادی که در کودکی آزار دیده‌اند، احتمال بیش‌تری دارد که یک بزرگسال آزاردهنده شوند. همچنین نوجوانان آزاردیده در کسب یک هویت منسجم و یکپارچه از خود ناتوانند و ممکن است هویتی مغایر با ارزش‌های جامعه برگزینند و رفتارهای بزهکارانه، خشونت‌آمیز، سوء مصرف‌کننده مواد و فرار از خانه در پیش گیرند (Harter, 1983). بنابراین خشونت خانواده نه تنها یک معضل فردی بلکه معضلی است که پی آمده‌های آن به صورت گسترده از نسلی به نسل دیگر در جامعه خودنمایی می‌کند. پژوهش حاضر در مورد نوجوانان صورت گرفته است و به بررسی رشد اخلاقی در نوجوانان آزاردیده و آزارندیده می‌پردازد.

اهمیت نظری پژوهش حاضر در این است که مشخص می‌سازد نوجوانان آزاردیده و آزارندیده در کدام یک از مراحل رشد اخلاقی قرار دارند و به درک بهتر و عمیق‌تر رفتارهای نوجوانان آزاردیده و تأثیرات مخربی که آزار بر نوجوانان دارد کمک می‌کند؛ در بعد عملی، این پژوهش با بررسی رشد اخلاقی نوجوانان آزاردیده و مشخص ساختن سطح و مرحله اخلاقی که در آن قرار دارند، زمینه‌ای برای شناخت و کمک بهتر به کودکان و نوجوانان و در نهایت

پیشگیری از بروز بدرفتاری، به خصوص از کودکی به منظور پیشگیری از آثار آن در نوجوانی و همچنین پیشگیری از بروز رفتارهای مخرب و بزهکارانه به واسطه آزاری که این کودکان و نوجوانان متحمل شده‌اند و با استفاده از اقدامات و تکنیک‌های درمانی به موقع را فراهم می‌سازد.

### هدف

هدف کلی این مطالعه، بررسی رشد اخلاقی نوجوانان آزاردیده و آزارندیده در ابتدا و میانه نوجوانی (نوجوانان سیزده و شانزده ساله) و تعیین سطح رشد اخلاقی در ابتدا و میانه نوجوانی (نوجوانان سیزده و شانزده ساله) است.

### پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی پژوهش این است که آیا آزاردیدگی عامل مؤثری در رشد اخلاقی نوجوانان است. همچنین آیا بین میزان آزاردیدگی در ابتدای نوجوانی با میانه نوجوانی و رشد اخلاقی تفاوت معنا داری وجود دارد. همچنین بین میزان آزاردیدگی در نوجوانان پسر و دختر اختلاف وجود دارد. از پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌هایی به دست آمده‌اند که در قسمت یافته‌ها مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

### مبانی نظری

به تعبیر بسیاری از صاحب‌نظران حوزه علوم انسانی و اجتماعی، کلید حل مسائل اجتماعی در رشد اخلاقی است. به عنوان نمونه، جان دیویی در تبیین تحول اخلاقی، معتقد است که آنچه منجر به تحول و رشد اخلاقی انسان می‌شود، اجتماع و زندگی اجتماعی فرد است. از نظر او عملی را می‌توان اخلاقی قلمداد کرد که موجب رشد «خود» شود و ارزش

اخلاقی هر عمل بستگی به نتیجه‌ای دارد که از آن عاید فرد و جامعه می‌شود. اگر این نتیجه مفید به حال فرد و جامعه باشد، آن یک عمل مثبت اخلاقی است. به عقیده او آموزش‌های اخلاقی باید بر درون‌سازی کردن اخلاقیات باشند و به جای این که به فرد از راه امر و نهی و پاداش و تنبیه، امور اخلاقی آموزش داده شوند، باید فرصت و امکاناتی فراهم کرد که در آن خود فرد در برخورد با دیگران نتیجه عمل و عکس‌العمل مثبت یا منفی دیگران را ببیند. بدین ترتیب اصول اخلاقی محکم در فرد مورد پذیرش قرار می‌گیرند (کریمی، ۱۳۷۶).

نظریه پیازه در تحول اخلاقی، شامل مراحل حرکت فردی، خودمداری، تکوین همکاری و تسلط بر قواعد است. پیازه به مطالعه رشد قضاوت‌ها در موقعیت‌های آشکار اخلاقی پرداخته و واقع‌گرایی اخلاقی و نسبی‌گرایی اخلاقی را تبیین کرده است (کدیور، ۱۳۷۸).

کالبرگ (۱۹۷۶) بر مرحله‌ای بودن رشد اخلاقی تأکید نموده، تعیین مراحل رشد اخلاقی در هر فرد را بر اساس توانایی‌های ذهنی و شناختی او می‌پذیرد. کالبرگ اخلاق را با مفهوم عدالت تبیین می‌کند و معتقد است که قضاوت‌های اخلاقی کودکان و نوجوانان متضمن برداشت‌های متفاوتی از عدالت است. کالبرگ مراحل رشد اخلاقی در افراد را در سه سطح و شش مرحله مشخص می‌کند: سطح اخلاق پیش‌قراردادی، شامل مرحله اخلاق بر پایه تنبیه و عدالت و اخلاق ابزارگونه نسبی؛ سطح اخلاق قراردادی شامل مرحله اخلاق پسر خوب، دختر خوب، و اخلاق بر اساس قانون و نظم؛ و سطح اخلاق فراقراردادی که شامل مرحله اخلاق بر اساس پیمان اجتماعی و اخلاق بر اساس اصول جهانی است. این پژوهش بر مبنای نظریه کالبرگ قرار دارد.

### روش تحقیق

روش این تحقیق، پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش عبارت بود از کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس راهنمایی و دبیرستان روزانه شهرکرد، مرکز استان چهارمحال

و بختیاری، که در سال تحصیلی ۸۲-۸۱ در مقطع تحصیلی دوم راهنمایی و دوم دبیرستان مشغول به تحصیل بودند و سن آن‌ها سیزده و شانزده سال بود.

نمونه این پژوهش نیز در دو مرحله انتخاب شد. در مرحله اول از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده گردید، بدین ترتیب که در ابتدا به صورت تصادف در هر منطقه از آموزش و پرورش شهرکرد، چهار دبیرستان پسرانه، چهار دبیرستان دخترانه، چهار مدرسه راهنمایی پسرانه و چهار مدرسه راهنمایی دخترانه انتخاب گردیدند. سپس در هر مورد بر اساس تعداد کلاس‌های دوم راهنمایی و دوم دبیرستان، یکی از کلاس‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند. بدین ترتیب شانزده کلاس از شانزده مدرسه در دو منطقه ۱ و ۲ شهرکرد در این پژوهش شرکت داشتند و از تعداد ۶۵۰ دانش‌آموز نمونه این پژوهش، ۶۳۰ نفر پرسشنامه را تکمیل کردند؛ بیست نفر از آزمودنی‌ها پرسشنامه را ناقص پر کرده بودند که از نمونه فوق حذف شدند.

در مرحله دوم، ملاک انتخاب آزمودنی‌ها نمرات آن‌ها در پرسشنامه آزاردیدگی بود، بدین ترتیب که به صورت تصادفی شصت نفر آزمودنی آزاردیده و شصت نفر آزمودنی غیرآزاردیده که در هشت گروه پانزده نفری از نوجوانان دختر و پسر سیزده‌ساله آزاردیده و آزارندیده و نوجوانان پسر و دختر شانزده‌ساله آزاردیده و آزارندیده قرار گرفتند، آزمون تبیین مسائل (سنجش رشد اخلاقی) را دریافت نمودند و نمرات آن‌ها مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. لازم به ذکر است که برای تأیید تشخیص آزاردیدگی نوجوانان در پرسشنامه آزاردیدگی، با آنان مصاحبه تشخیص آزاردیدگی انجام شد و آزاردیدگی آن‌ها بر اساس مصاحبه مورد تأیید واقع گردید. پرسشنامه آزاردیدگی: این پرسشنامه فهرستی کمی از انواع تجربیات منفی در دوران کودکی و نوجوانی فراهم می‌کند و برای سنجش آزاردیدگی در نوجوانان ساخته شده است. این پرسشنامه با در نظر گرفتن تعاریف آزار و زیرگروه‌های آن با استفاده از پرسشنامه آزاردیدگی "The Child Abuse and Trauma Scale" (حسینی، ۱۳۷۹) و پرسشنامه کودک‌آزاری (نوروزی، ۱۳۷۲) تهیه گردیده و شامل ۴۳ پرسش است. اعتبار و روایی آن توسط حسینی



(۱۳۷۹) به ترتیب برای زیرگروه‌های آزار فیزیکی ۰/۶۸، آزار روان‌شناختی ۰/۹۰ و بی‌توجهی ۰/۹۲ به دست آمد. اعتبار باآزمایی آن با فاصله پانزده روز ۰/۹۱ بود و روایی این پرسشنامه نیز توسط دو روان‌پزشک و دو روان‌شناس بالینی تأیید گردید.

پرسشنامه تبیین مسائل: این آزمون توسط رست (Rest) و همکاران او (۱۹۷۴) برای اندازه‌گیری سطوح مختلف رشد اخلاقی ساخته شده و شامل شش داستان است. این پرسشنامه در ایران توسط کدیور مورد استفاده قرار گرفت و پایایی و اعتبار آن ۰/۸۳ محاسبه شده و روایی آن نیز با آزمون تفکر انتزاعی پیازه در یک گروه دانش‌آموز دوم راهنمایی بررسی گردیده است.

مرحله اول: پس از انتخاب نمونه اول (۶۳۰ دانش‌آموز)، پرسشنامه آزریدگی در مورد آن‌ها اجرا گردید، بدین صورت که پژوهشگر در کلاس حضور می‌یافت، خود را معرفی می‌کرد و درباره تحقیق و مراحل آن توضیحاتی ارائه می‌داد و ضمن اطمینان خاطر دادن به آن‌ها به منظور محرمانه بودن اطلاعات، از آنان می‌خواست در صورت عدم درگیری و اختلاف شب گذشته با والدین خود، پرسشنامه را تکمیل نمایند.

مرحله دوم: پس از مشخص شدن نوجوانان آزریده بر اساس نمرات حاصل از پرسشنامه و به منظور تأیید تشخیص آزریدگی، مصاحبه تشخیص آزریدگی در مورد آن‌ها انجام گردید. مرحله سوم: پس از انتخاب نمونه دوم (۱۲۰ دانش‌آموز) که شصت نوجوان آزرندیده دختر و پسر در مقطع دوم راهنمایی و دوم دبیرستان (از هر گروه پانزده نفر) و شصت نوجوان آزرندیده دختر و پسر در مقطع دوم راهنمایی و دوم دبیرستان (از هر گروه پانزده نفر) را شامل می‌شد، پرسشنامه تبیین مسائل (رشد اخلاقی) در مورد آن‌ها اجرا گردید.

در این مطالعه روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس بسته نرم‌افزاری SPSS و استفاده از آمار توصیفی جهت بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نوجوانان، آزمون T مستقل برای بررسی فرضیات و پرسش‌های پژوهش و آزمون کای اسکوئر نیز برای بررسی فرضیه پژوهش استفاده شده است.

## یافته‌ها

در این پژوهش مشخص گردید که دو گروه نوجوانان آزاردیده و آزارندیده در تعدادی از متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن مادر، تحصیلات مادر، شغل مادر، ترتیب تولد و تعداد خواهران و برادران تفاوت معناداری نداشتند. اما این دو گروه در متغیرهایی همانند سن پدر (در سطح  $\alpha = 0/05$ )، میزان تحصیلات پدر (در سطح  $\alpha = 0/05$ )، شغل پدر (در سطح  $\alpha = 0/05$ )، وضعیت خانواده (در سطح  $\alpha = 0/05$ ) تفاوت معناداری داشتند. همچنین این دو گروه در معدل تحصیلی خود (در سطح  $\alpha = 0/05$ ) تفاوت داشتند. در ادامه، در بررسی این پرسش پژوهش که «آیا بین میزان آزاردیدگی نوجوانان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟» نتایج ذیل حاصل شد.

جدول شماره ۱- آزمون مقایسه میانگین نمرات آزاردیدگی نوجوانان دختر و پسر

ابعاد یا مقیاس‌های آزاردیدگی	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار T	Sig (p-value)
کل نمره	دختر	۳۱۵	۳۴/۷	۱۶/۲	۶۲۸	۰/۶۲۹	۰/۵۰۴
	پسر	۳۱۵	۳۳/۷	۲۰/۳			
آزاردیدگی فیزیکی	دختر	۳۱۵	۰/۲۷۹	۲/۴	۶۲۸	۲/۰۵	۰/۰۴۱
	پسر	۳۱۵	۲/۱	۲/۳			
آزاردیدگی روان‌شناختی	دختر	۳۱۵	۹/۵	۶/۳	۶۲۸	۰/۲۹۶	۰/۲۹۶
	پسر	۳۱۵	۹/۴	۶/۵			
بی‌توجهی	دختر	۳۱۵	۱۶/۰۷	۹/۱	۶۲۸	۰/۶۲۶	۰/۵۳۲
	پسر	۳۱۵	۱۵/۳۶	۱۱/۲			

در جدول شماره ۱ نتایج آزمون مقایسه میانگین نمرات آزردیدگی نوجوانان پسر و دختر آورده شده است. ملاحظه می‌شود که میانگین نمرات دختران در مقایسه با نمره پسران در بیش‌تر ابعاد، قدری بیش‌تر است و این اختلاف تنها برای مقایسه مقیاس آزردیدگی فیزیکی از نظر آماری معنادار است. به عبارت دیگر، میزان آزردیدگی فیزیکی پسرها بیش‌تر از دخترهاست و برای سایر ابعاد، اختلاف معناداری ملاحظه نشد.

پرسش دیگر پژوهش «آیا بین میزان آزردیدگی در ابتدای نوجوانی با میانه نوجوانی اختلاف وجود دارد؟»

جدول شماره ۲. مقایسه میانگین نمرات آزردیدگی در ابتدا و میانه نوجوانی

Sig (p-value)	T مقدار	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه	ابعاد یا مقیاس‌های آزردیدگی
۰/۰۰۰	-۵/۰۸	۶۲۸	۱۶	۲۹/۶	۳۱۵	ابتدای نوجوانی (سیزده ساله)	کل نمره
			۱۹/۳	۳۷/۲	۳۱۵	میانه نوجوانی (شانزده ساله)	
۰/۰۲۶	-۲/۲۳	۶۲۸	۳/۱	۱/۵۲	۳۱۵	ابتدای نوجوانی (سیزده ساله)	آزردیدگی فیزیکی
			۲/۵	۱/۹۷	۳۱۵	میانه نوجوانی (شانزده ساله)	
۰/۰۰۰	-۳/۹۲	۶۲۸	۵/۴	۸/۲	۳۱۵	ابتدای نوجوانی (سیزده ساله)	آزردیدگی روان‌شناختی
			۷	۱۰/۳	۳۱۵	میانه نوجوانی (شانزده ساله)	
۰/۰۰۰	-۵/۲۵	۶۲۸	۹/۵	۱۳/۲	۳۱۵	ابتدای نوجوانی (سیزده ساله)	بی‌توجهی
			۱۰/۴	۱۷/۳	۳۱۵	میانه نوجوانی	

جدول شماره ۲ به مقایسه میانگین نمرات آزمون آزرندیدگی نوجوانان در ابتدا و میانه نوجوانی در حالت کلی و بر حسب سه مقیاس (فیزیکی، روان‌شناختی و بی‌توجهی) پرداخته است. در ستون میانگین مشاهده می‌شود که میانگین نمرات در میانه نوجوانی در تمام ابعاد بیش‌تر از ابتدای نوجوانی است. از طرفی، با مقایسه مقدار احتمال (p-value) سطح معناداری  $\alpha = 0/05$  دیده می‌شود. این مقدار برای تمام مقیاس‌ها اندکی کوچک‌تر از سطح  $0/05$  است. به عبارت دیگر، از نظر آماری میانگین نمرات در میانه نوجوانی در تمام ابعاد به طور معناداری از نمرات ابتدای نوجوانی بیش‌تر است.

فرضیه اول: بین نوجوانان آزرندیده در ابتدای نوجوانی و نوجوانان آزرندیده در ابتدای نوجوانی تفاوت معناداری در سطح رشد اخلاقی وجود دارد.

جدول شماره ۳. آزمون مقایسه میانگین سطح رشد اخلاقی نوجوانان سیزده‌ساله آزرندیده و آزرندیده

Sig (p-value)	DF	مقدار T	انحراف معیار (SD)	میانگین (Mean)	تعداد (N)	گروه‌ها
0/399	58	0/849	1/8	5/88	30	نوجوانان آزرندیده (سیزده ساله)
			1/9	5/47	30	نوجوانان آزرندیده (سیزده ساله)

با توجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌شود که میانگین دو گروه به ترتیب برابر 5/88 و 5/47 است. همچنین نتایج آزمون T با مقدار 0/849 و مقدار احتمال (p-value) برابر با 0/399 به دست آمده که این مقدار در مقایسه با سطح معنی داری 0/05 بزرگ‌تر است که از آن

نتیجه می‌گیریم آزمون معنادار نیست. به عبارت دیگر، بین میانگین نمرات دو گروه از نظر آماری، معناداری وجود ندارد و نهایتاً منجر به رد فرضیه مذکور گردید.  
**فرضیه دوم:** بین نوجوانان دختر آزارنندیده در ابتدای نوجوانی و نوجوانان دختر آزاردیده در ابتدای نوجوانی تفاوت معناداری در سطح رشد اخلاقی وجود دارد.

جدول شماره ۴- آزمون مقایسه میانگین سطح رشد اخلاقی نوجوانان دختر سیزده ساله آزاردیده و آزارنندیده

Sig (p-value)	DF	مقدار T	انحراف معیار (SD)	میانگین (Mean)	تعداد (N)	گروه‌ها
۰/۳۳	۲۸	۰/۹۸۵	۱/۷۸	۵/۶۹	۱۵	نوجوانان دختر آزارنندیده (سیزده ساله)
			۱/۲	۵/۵۷	۱۵	نوجوانان پسر آزاردیده (سیزده ساله)

با توجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌شود که میانگین دو گروه به ترتیب برابر با ۵/۶۹ و ۵/۵۷ است و همچنین نتایج آزمون T با مقدار ۰/۹۸۵ و مقدار احتمال (p-value) برابر با ۰/۳۳۳ به دست آمده که این مقدار در مقایسه با سطح معناداری ۰/۰۵ بزرگ‌تر است که از آن نتیجه می‌گیریم آزمون معنادار نیست و بین میانگین دو گروه از نظر آماری اختلاف معناداری مشاهده نشد و فرض تحقیق رد شد.

**فرضیه سوم:** بین نوجوانان پسر آزارنندیده در ابتدای نوجوانی و نوجوانان پسر آزاردیده در ابتدای نوجوانی تفاوت معناداری در سطح رشد اخلاقی وجود دارد.

جدول شماره ۵- آزمون مقایسه میانگین سطح رشد اخلاقی نوجوانان پسر سیزده ساله آزار دیده و آزار ندیده

Sig (p-value)	DF	مقدار T	انحراف معیار (SD)	میانگین (Mean)	تعداد (N)	گروه‌ها
۰/۰۱۲	۲۸	۲/۶۷	۱/۴۰	۵/۸۰	۱۵	نوجوانان پسر آزار ندیده (سیزده ساله)
			۱/۷۰	۴/۶۷	۱۵	نوجوانان پسر آزار دیده (سیزده ساله)

با توجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌شود که میانگین دو گروه به ترتیب برابر با ۵/۸۰ و ۴/۶۷ است و همچنین نتایج آزمون T با مقدار ۲/۶۷ و مقدار احتمال (p-value) برابر با ۰/۰۱۲ به دست آمده که این مقدار در مقایسه با سطح معناداری ۰/۰۵ کوچک‌تر است که از آن نتیجه می‌گیریم آزمون معنادار است و بین میانگین دو گروه از نظر آماری اختلاف معناداری وجود دارد و فرض تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: بین نوجوانان آزار ندیده در میانه نوجوانی و نوجوانان آزار دیده در میانه نوجوانانی تفاوت معناداری در سطح رشد اخلاقی وجود دارد.

جدول شماره ۶- آزمون مقایسه میانگین سطح رشد اخلاقی نوجوانان شانزده ساله آزار دیده و آزار ندیده

Sig (p-value)	DF	مقدار T	انحراف معیار (SD)	میانگین (Mean)	تعداد (N)	گروه‌ها
۰/۰۰۵	۵۸	-۲/۹۰	۱/۸۶	۷/۲۷	۳۰	نوجوانان آزار ندیده (شانزده ساله)
			۱/۵۴	۵/۵۲	۳۰	نوجوانان آزار دیده (شانزده ساله)

با توجه به نتایج جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود که میانگین دو گروه به ترتیب برابر با ۷/۲۷ و ۵/۵۲ است و همچنین نتایج آزمون T با مقدار ۲/۹۰- و مقدار احتمال (p-value) برابر با ۰/۰۰۵ به دست آمده که این مقدار در مقایسه با سطح معناداری ۰/۰۵ کوچک‌تر است که از آن نتیجه می‌گیریم آزمون معنادار است و به عبارتی بین میانگین دو گروه از نظر آماری اختلاف معناداری وجود دارد و نهایتاً فرض تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم: بین نوجوانان دختر آزارنندیده در میانه نوجوانی و نوجوانان دختر آزاردیده در میانه نوجوانی تفاوت معناداری در سطح رشد اخلاقی وجود دارد.

جدول شماره ۷- آزمون مقایسه میانگین سطح رشد اخلاقی نوجوانان دختر شانزده ساله آزاردیده و آزارنندیده

Sig (p-value)	DF	مقدار T	انحراف معیار (SD)	میانگین (Mean)	تعداد (N)	گروه‌ها
۰/۰۰۰	۲۸	۳/۹۹	۱/۷۲	۷/۴۴	۱۵	نوجوانان دختر آزارنندیده (شانزده ساله)
			۱/۲۰	۵/۲۶	۱۵	نوجوانان دختر آزاردیده (شانزده ساله)

با توجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌شود که میانگین دو گروه به ترتیب برابر با ۷/۴۴ و ۵/۲۶ است و همچنین نتایج آزمون T با مقدار ۳/۹۹ و مقدار احتمال (p-value) برابر با ۰/۰۰۰ به دست آمده که این مقدار در مقایسه با سطح معناداری ۰/۰۵ خیلی کوچک‌تر است که از آن نتیجه می‌گیریم آزمون معنادار است و به عبارتی بین میانگین دو گروه از نظر آماری اختلاف معناداری وجود دارد و نهایتاً فرض تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه ششم: بین نوجوانان پسر آزارنندیده در میانه نوجوانی و نوجوانان پسر آزاردیده در میانه نوجوانی تفاوت معناداری در سطح رشد اخلاقی وجود دارد.

جدول شماره ۸- آزمون مقایسه میانگین سطح رشد اخلاقی نوجوانان پسر شانزده ساله آزاردیده

و آزارنندیده

گروه‌ها	تعداد (N)	میانگین (Mean)	انحراف معیار (SD)	مقدار T	DF	Sig (p-value)
نوجوانان پسر آزارنندیده (شانزده ساله)	۱۵	۷/۱۰	۱/۴۱	۲/۶۷	۲۸	۰/۰۱۳
نوجوانان پسر آزاردیده (شانزده ساله)	۱۵	۴/۶۵	۱/۷۰			

با توجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌شود که میانگین دو گروه به ترتیب برابر با ۷/۱۰ و ۴/۶۵ است و همچنین نتایج آزمون T با مقدار ۲/۶۷ و مقدار احتمال (p-value) برابر با ۰/۰۱۳ به دست آمده که این مقدار در مقایسه با سطح معناداری ۰/۰۵ کوچک تر است که از آن نتیجه می‌گیریم آزمون معنادار است و به عبارت دیگر بین میانگین دو گروه از نظر آماری اختلاف معناداری وجود دارد و فرض تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه هفتم: بین نوجوانان پسر و دختر آزاردیده در ابتدای نوجوانی و نوجوانان پسر و دختر آزاردیده در میانه نوجوانی تفاوت معناداری در سطح رشد اخلاقی وجود دارد.



جدول شماره ۹- آزمون مقایسه میانگین سطح رشد اخلاقی نوجوانان سیزده و شانزده ساله آزار دیده

Sig (p-value)	DF	مقدار T	انحراف معیار (SD)	میانگین (Mean)	تعداد (N)	گروه‌ها
۰/۴۲۵	۰/۵۸	۰/۸۳۲	۱/۸۰	۵/۴۷	۳۰	نوجوانان آزار دیده (سیزده ساله)
			۱/۵۴	۵/۵۲	۳۰	نوجوانان آزار دیده (شانزده ساله)

با توجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌شود که میانگین دو گروه به ترتیب برابر با ۵/۴۷ و ۵/۵۲ است و همچنین نتایج آزمون T با مقدار ۰/۸۳۲ و مقدار احتمال (p-value) برابر با ۰/۴۲۵ به دست آمده که این مقدار در مقایسه با سطح معناداری ۰/۰۵ بزرگ‌تر است که از آن نتیجه می‌گیریم آزمون معنادار نیست و بین میانگین دو گروه از نظر آماری اختلاف معناداری وجود ندارد و نهایتاً منجر به رد فرضیه مذکور می‌گردد.

**فرضیه هشتم:** بین نوجوانان پسر و دختر آزارن دیده در ابتدای نوجوانی و نوجوانان پسر و دختر آزارن دیده در میانه نوجوانانی تفاوت معناداری در سطح رشد اخلاقی وجود دارد.

جدول شماره ۱۰- آزمون مقایسه میانگین سطح رشد اخلاقی نوجوانان سیزده و شانزده ساله آزارن دیده

Sig (p-value)	DF	مقدار T	انحراف معیار (SD)	میانگین (Mean)	تعداد (N)	گروه‌ها
۰/۰۰۸	۵۸	-۲/۷۳	۱/۹۰	۵/۸۸	۳۰	نوجوانان آزارن دیده (سیزده ساله)
			۱/۸۶	۷/۲۷	۳۰	نوجوانان آزارن دیده (شانزده ساله)

با توجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌شود که میانگین دو گروه به ترتیب برابر با ۵/۸۸ و ۷/۲۷ است و همچنین نتایج آزمون T با مقدار ۲/۷۳- و مقدار احتمال (p-value) برابر با ۰/۰۰۸ به دست آمده که این مقدار در مقایسه با سطح معناداری ۰/۰۵ کوچک‌تر است که از آن نتیجه می‌گیریم آزمون معنادار است و به عبارتی بین میانگین دو گروه از نظر آماری اختلاف معناداری وجود دارد و نهایتاً منجر به تأیید فرضیه مذکور گردید.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش مشخص گردید که دو گروه نوجوانان آزاردیده و آزارندیده در متغیرهایی مانند سن پدر، میزان تحصیلات پدر، شغل پدر، وضعیت مالی خانواده و معدل تحصیلی تفاوت معناداری داشتند و نتایج به دست آمده در خصوص متغیرهای جمعیت‌شناختی بین دو گروه نشان می‌دهد که تحصیلات پدر با نمرات آزاردیدگی رابطه دارد. همچنین بارنت و همکاران (۱۹۹۳)، و کاپلان و همکار (۱۹۹۵) نشان دادند که والدین کودکان و نوجوانان آزاردیده تحصیلات پایین دارند. محمدخانی (۱۳۷۸)، حسینی (۱۳۷۹) و لودوینگ و همکار (۱۹۹۲) نیز نشان دادند که بین کودکان و نوجوانان آزاردیده و آزارندیده از لحاظ وضعیت مالی خانواده تفاوت معناداری وجود دارد و کودکان و نوجوانان آزاردیده، در سطوح پایین‌تر اقتصادی و اجتماعی نسبت به نوجوانان آزارندیده قرار دارند که با یافته پژوهش حاضر همخوان است. در بررسی معدل تحصیلی این دو گروه نیز نشان داده شد که نوجوانان آزاردیده از لحاظ معدل تحصیلی در سطح پایین‌تری نسبت به نوجوانان آزارندیده قرار دارند که با یافته‌های محمدخانی (۱۳۷۸) همخوان است.

در بررسی میزان آزاردیدگی در نوجوانان دختر و پسر نیز مشخص گردید که میانگین نمرات دختران در مقایسه با نمره پسران در تمام ابعاد به جز آزار فیزیکی بیش‌تر است ولی از لحاظ آماری این تفاوت معنادار نیست. اما در بعد آزار فیزیکی، پسران نمرات بیش‌تری نسبت به

دختران کسب نمودند و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار بود که یافته فوق با یافته DHHS<sup>(۱)</sup> (به نقل از بارت و همکاران، ۱۹۹۳) که گزارش داده است که در میان کودکان کم‌تر از دوازده سال پسران بیش‌تر احتمال دارد که قربانی آزار فیزیکی شوند در حالی که دختران در سنین سیزده سال به بالا در خطر بیش‌تری برای آزار دیدگی روان‌شناختی قرار دارند، همخوان است. یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر این است که میزان آزار دیدگی در میانه نوجوانی (شانزده سالگی) نسبت به ابتدای نوجوانی بیش‌تر است. همان‌طور که گزارش DHHS عنوان نموده بدرفتاری با افزایش سن افزایش می‌یابد.

در بررسی رشد اخلاقی نوجوانان آزار دیده و آزار ندیده مشخص گردید که نوجوانان آزار دیده و آزار ندیده در ابتدای نوجوانی (سیزده سالگی) از لحاظ سطح رشد اخلاقی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند و هر دو در مرحله سوم از سطح دوم رشد اخلاقی کالبرگ "Kohlberg" (۱۹۷۶) قرار دارند. این نتیجه در مورد دختران نوجوان آزار دیده و آزار ندیده در ابتدای نوجوانی نیز تأیید گردید، ولی در مورد نوجوانان پسر مشخص گردید که این دو گروه تفاوت معناداری در سطح رشد اخلاقی قرار دارند، به طوری که نوجوانان پسر آزار دیده در مرحله دوم از سطح اول رشد اخلاقی کالبرگ و نوجوانان آزار ندیده در مرحله سوم از سطح دوم رشد اخلاقی قرار دارند که یافته‌های این پژوهش مشخص می‌کند که آزار، روی رشد اخلاقی نوجوانان پسر آزار دیده در ابتدای نوجوانی می‌تواند تأثیر داشته باشد. بدین ترتیب نوع بدرفتاری، جنسیت و دوره‌ای از رشد که بدرفتاری در آن دوره روی داده، در سازگاری نوجوانان مؤثر است؛ پسران در صورتی با مشکلات سازگاری روبه‌رو می‌شوند که آزار فیزیکی همراه با آزار روان‌شناختی در ابتدای کودکی روی داده باشد، در حالی که مشکلات سازگاری دختران به تجربه بی‌توجهی و آزار روان‌شناختی در میانه کودکی مربوط است.

در بررسی رشد اخلاقی نوجوانان آزاردیده و آزارندیده در میانه نوجوانی (شانزده سالگی) نیز مشخص گردید که این دو گروه از لحاظ سطح رشد اخلاقی تفاوت معناداری با هم داشتند. نوجوانان آزارندیده شانزده ساله در اوایل مرحله چهارم از سطح سوم رشد اخلاقی کالبرگ قرار داشتند، در حالی که نوجوانان شانزده ساله آزاردیده در مرحله سوم از سطح دوم رشد اخلاقی کالبرگ قرار گرفتند. همچنین یافته فوق در مورد نوجوانان دختر و پسر شانزده ساله آزاردیده و آزارندیده نیز مورد تأیید واقع می‌گردد، با این تفاوت که نوجوانان پسر آزاردیده در میانه نوجوانی (شانزده سالگی) در مرحله دوم از سطح دوم از سطح اول رشد اخلاقی کالبرگ قرار دارند که این پژوهش نشان می‌دهد آزار، روی نوجوانان پسر تأثیرات بیش تری بر جای گذاشته است، که این یافته‌ها با مطالعات هارتر (۱۹۸۳) همخوان است، به گونه‌ای که این محقق نیز اشاره به تأثیر محیط، نوع رابطه والدین با کودکان و نوجوانان در زمینه رشد فکری، احساسی، اجتماعی و اخلاقی و تأثیرات آزار روی آن‌ها نموده است.

همچنین در این پژوهش و در بررسی رشد اخلاقی نوجوانان آزاردیده در ایتدا و میانه نوجوانی مشخص شد نوجوانان آزاردیده در ابتدا و میانه نوجوانی از لحاظ سطح رشد اخلاقی، تفاوتی با یکدیگر نداشته، هر دو در مرحله سوم از سطح دوم رشد اخلاقی کالبرگ قرار دارند و با افزایش سن تغییری در سطح رشد اخلاقی آن‌ها به وجود نیامد؛ ولی در نوجوانان آزارندیده در ابتدا و میانه نوجوانی این تفاوت کاملاً مشخص بود، به گونه‌ای که نوجوانان آزارندیده در ابتدای نوجوانی (سیزده سالگی) در مرحله سوم از سطح دوم رشد اخلاقی کالبرگ و نوجوانان شانزده ساله آزارندیده در اوایل مرحله چهارم از سطح سوم رشد اخلاقی کالبرگ قرار داشتند، در حالی که نوجوانان سیزده و شانزده ساله آزاردیده در مرحله سوم از سطح دوم رشد اخلاقی کالبرگ و نوجوانان پسر آزاردیده در ابتدا و میانه نوجوانی (سیزده ساله و شانزده ساله) در مرحله دوم از سطح اول مراحل رشد اخلاقی کالبرگ قرار داشتند که مشخص می‌سازد آزار، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر رشد اخلاقی نوجوانان و به خصوص نوجوانان پسر بر جای می‌گذارد؛ البته

می‌توان اظهار داشت که علاوه بر آزار، شاید آن‌ها از لحاظ هوشی نیز پایین بوده‌اند که در این مورد، نیاز به اجرای تحقیق دیگری است. براساس یافته‌های این پژوهش و سایر پژوهش‌های انجام شده در زمینه کودک‌آزاری که آثار مخرب کودک‌آزاری را نشان می‌دهد لازم است برنامه‌ریزی آموزشی در راستای بالا بردن آگاهی خانواده‌ها از آثار مخرب کودک‌آزاری بر شخصیت و رشد کودکان و همچنین، تغییر نگرش آن‌ها و استفاده از روش‌های مثبت تربیتی به جای تنبیه که می‌تواند نقش موثری در کاهش بروز کودک‌آزاری داشته باشد صورت پذیرد. آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به کودکان در سنین مدرسه و شیوه‌های مناسب مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا به کودکان و والدین آن‌ها موجب بهبود شرایط رفتاری والدین با کودکان شده، نهایتاً کاهش موارد کودک‌آزاری را در پی خواهد داشت.

### پیشنهادها

پژوهش حاضر در جهت پیشگیری اولیه حائز اهمیت است. پیشگیری اولیه شامل اقداماتی است که منجر به استحکام بنیان خانواده و اجتماع می‌گردد. آموزش والدین و آشنا ساختن آنان با مسئولیت‌هایشان در قبال پرورش نوجوانان نیز حائز اهمیت است. همچنین شناسایی خانواده‌های پرخطر در زمینه رفتار با کودکان و نوجوانان و ارائه آموزش‌های لازم، از بروز آزار آنان جلوگیری می‌نماید. با توجه به این که تحقیقات فراوانی نشان می‌دهند که اکثر کسانی که در کودکی دچار بدرفتاری شده‌اند در بزرگسالی احتمال زیادی دارد که کودکان خود را آزار دهند و به عبارت دیگر آزار از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌گردد و همچنین با توجه به این که بسیاری از کودکان و نوجوانان آزار دیده علائمی از افسردگی، افکار خودکشی و فرار از خانه را نشان می‌دهند، اقدامات مناسب در اصلاح رفتار آنان و پیشگیری از بروز عواقب ناشی از آزار دیدگی، بسیار با اهمیت است، ضمن این که اقدامات مداخله‌ای و حمایتی برای والدین و خانواده‌های آزاررسان نیز ضروری است. به علاوه، با توجه به این که رشد طبیعی اخلاقی از

کودکی تا بزرگسالی می‌تواند از بروز آسیب‌های اجتماعی پیشگیری نماید، بنابراین ارتقای سطح آگاهی کودکان و نوجوانان و والدین آن‌ها به منظور گذر از مراحل طبیعی رشد اخلاقی نوجوانان از اقدامات لازم است.

مطالعه حاضر به صورت مقطعی انجام گرفته است و بررسی میزان آزاردیدگی و شدت آن ممکن است دستخوش تغییرات زمانی گردد. مطالعات طولی در تحقیق پیرامون آزار کودک و نوجوان حائز اهمیت بیش‌تری است. این نوع تحقیقات به دلیل آن که پیرامون خاطرات و ادراکات درباره خشونت و تجربه آزاردیدگی آن‌ها در دوره کودکی شان تکیه می‌کنند، مشکل است، به ویژه آن که افراد خاطرات مهم و اتفاقات دوران کودکی و از جمله تجربیات آزاردیدگی را ممکن است فراموش نمایند و بعدها وقتی آن را بازیابی می‌کنند، سازوکارهای مختلفی مانند انکار، تحریف، و برگشت، این بازیاب‌ها را مختل و آن را دگرگون می‌سازد؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد هنگام مطالعه در مورد آزار نوجوانان از تحقیقات طولی استفاده شود.

ضمناً توجه به محتوای آموزشی پیرامون رشد اخلاقی مناسب با ظرفیت‌های شناختی افراد، سن و سطح اخلاقی که در آن قرار دارند، در برنامه‌های آموزشی گنجانده شود.

## منابع

- آقایی‌گلوبی، عباس؛ رسول‌زاده طباطبایی، سید کاظم؛ و موسوی چلک، حسن. **کودک‌آزاری**. تهران: آوند دانش، ۱۳۸۰.
- حسینی، نرگس. **بررسی مقایسه‌ای سطوح تحولی ادراک خود در نوجوانان ۱۲ و ۱۵ ساله آزار دیده و آزار نندیده منطقه ۶ و ۱۱ تهران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۹.
- رحیمی موقر، آفرین. **بررسی مقایسه‌ای میزان شیوع بدرفتاری جسمی با کودک در مناطق ۳ و ۲۰ تهران**. تهران: معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۵.

- کدیور، پروین. روان‌شناسی اخلاق. تهران: آگاه، ۱۳۷۸.
- کریمی، عبدالعظیم. مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک. تهران: تربیت، ۱۳۷۶.
- محمدخانی، پروانه. کودک‌آزاری، شیوع، ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان آزار دیده، کیفیت زندگی و سلامت عمومی والدین آن‌ها. پایان‌نامه دکتري روان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۸.
- نوروزی، فاطمه. بررسی پیشینه کودک‌آزادی و بی‌توجهی در دانش‌آموزان ۱۸-۱۴ ساله تهرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، تهران: انستیتو روان‌پزشکی تهران، ۱۳۷۲.
- Barnett D. et. al. "Defining Child Maltreatment: The Interface Between Policy and Research", in D. Ciecchelli et. al. (eds.) *Child Abuse, Child Development, and Social Policy*. Norwood, N.J.: Ablex, 1993. pp.51-73.
- Emery, R. E. S.; Laumman-Billings, L. "An Overview of the Nature, Causes and Consequences of Abusive Family, Relationships toward Differentiating Maltreatment and Violence", *Journal of American Psychologist*. Vol. 53, No. 2, 1998. pp. 121-135.
- Harter, S. "Children's Understanding of Multiple Emotions: A Cognitive Development Approach", in W. Overton (ed). *The Relationship Between Social and Cognitive Development*. Hillsdale, N.J.: Erlbaum, 1983.
- Kaplan, H.I. and Sadock. B.J. *Comprehensive Textbook of Psychiatry*. Vol.VI, William & Wilking Company, 1995.
- Kohlberg, L. "Moral and Moralization: The Cognitive Developmental Approach", in T. Lickona (ed.) *Moral Development and Behavior: Theory,*

**Research, and Social Issues.** New York, Holt: Rinehart & Winston, 1976.

- Ludwig, S. and Korenberg, A.E. **Child Abuse: A Medical Reference.** New York, Churchill-Linington, 1992.

- Rest, J. et.al. "Judging the Important Issues in Moral Dilemmas: An Objective Measure of Development", **Development Psychology**, 10(4), 1974, PP. 391-401.

- Sidebotham, Peter; Goldim, Jean et.al. "Children Maltreatment in the Children of the Nineties: A Longitudinal Study of Parental Risk Factors", **Child Abuse and Neglect**, 25, 2001, PP. 1177-1200.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی